مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.

پیکار پامیر ۲۰۲۱/۰۱/۲۰

پاسخ کوتاهی به "رفعت حسینی"

خوانندگان گرانقدر! این نوشته اشتباهاً از طرف نویسندهٔ آن نامکمل ارسال شده بود. اینکه بقیهٔ آن نیز ضمیمه گردیده دوباره آنلاین شد، توجه شما عزیزان را به آن معطوف میداریم.
تیم کاری پورتال افغان جرمن آنلاین

اخیراً به سلسلهٔ تجسس، مطالعه و آموزش که بخشی ازعادت من است، سری زدم به وبسایت وزین " افغان – جرمن آنلاین". اتفاقاً نوشته یی عقده مندانه و میان تهی تحت عنوان " استبداد دولتی در افغانستان درسده بیست" توجه مرا بخود معطوف نمود که ظاهراً به قلم هموطنی بنام "رفعت حسینی" نگاشته شده است.
این رفعت حسینی را هرگزندیده ام، اما بربنیاد دانش و ذکاه طبعی و کسبی انسانها میتوان گفت که چگونه گی شخصیت، طرزتفکر و موضعگیری های شخصی و اجتماعی آدمها را نه تنها از لا به لای سخنش، بلکه ازلابه لای نبشته ها و آثارش نیز توان شناخت.
چند هفته قبل بود که دوستی از اروپا بمن اطلاع داد که شخصی بنام رفعت حسینی درصفحهٔ فیسبوکش علیه یکی ازکتابهای طبع شدهٔ من تحت عنوان " استبداد سردار محمد هاشم خان" موضع خصمانه گرفته است. ناچار به صفحهٔ مجازی او مراجعه نموده شرارت های برخاسته از عقدهٔ درونی وی را درک کردم ولزوماً تذکراتی منحیث پاسخ به این موضعگیری عقده مندانهٔ او و یک و دو فرد دیگری بنام های" رهپو" و "قاسم باز" درج صفحه کردم تا آقا یا آقایان متوجه معایب فکری و نوشتاری خویش گردند و ازتوهین وتهمت بی بنیاد و البهانه بپرهیزند. چنانکه پس ازارائهٔ جواب های من، رفعت حسینی برخی ازنوشته هایش را ازصفحهٔ فیسبوک خویش برداشت و دو شاگرد بلی گوی دیگروی نیز خاموشی اختیارکردند.
اما حال وقتی نوشتهٔ اخیر رفعت حسینی در وبسایت "افغان – جرمن آنلاین" را خواندم، به این نتیجه رسیدم که نه به منظور بگو مگو با وی که چندان ارزشی نخواهد داشت، بلکه بمنظور دفاع برحق از اتهامات وارده توسط او و روشنی انداختن بیشتر برای خواننده های عزیز این رسانهٔ پُرخواننده، چیزی انشاد کنم، باشد که رفعت حسینی و همصدا های وی متوجه خود ودیگران شوند و اندکی هم بیاموزند و بخود آیند:
درنوشتهٔ ضعیف رفعت حسینی کلمه هایی مانند "سخن های واهی" ، "بیدادگری و ابلهی" ، مبتذل" گویی، " بیگانه با دانش جامعه شناسی و تاریخ"، " چشم بستن با دستمال مرتجعانه"، " رنگالی چپگرایانهٔ شعله یی، خلقی و پرچمی " و... علیه من و در ارتباط متن کتاب من گنجانیده شده است که خواننده های گرامی میتوانند یکبار دیگر شمارهٔ هجدهم ماه جاری در" افغان- جرمن آنلاین" مرور فرموده قضاوت نماید.
نخست ازهمه، خواننده های گرانقدررا دعوت مینمایم تا متن کتاب **"استبداد سردارمحمد هاشم خان"** را که در ردیف سایرکتابهای مندرج دروبسایت **" گفتمان دموکراسی افغانستان"** درج است، مرور نمایند تا بدانند که آدم های واقعاً عقده مند ومتکی به منافع شخصی، خانواده گی و قومی، (نه متکی به منافع بزرگ ملی)، چقدرازابراز و انشآ حقایق اجتماعی – تاریخی ناراحت وعصبانی میشوند؟!
خواهشمندم رفعت حسینی که میخواهد با طرزتفکرمحدود و مقید خانواده گی (چون وی با خانوادهٔ طره بازخان یکی ازمجریان استبداد خشن سردارمحمد هاشم خان خویشاوندی نزدیک دارد) بردیگران و آثار تاریخی طبع شده و حتا براشعار بزرگترین شاعران کشوربسیار کلانکارانه میتازد، این توضیحات را بخواند، بداند وتوجه مبذول نماید:
اول ـ واقعیت های تلخ تاریخی، علی رغم دست کاریها و سانسورها و فرمایشات حکومتی و آتش زدن به کتب و اوراق و حبس و کشتارمؤرخان وغیره، هرگز پوشیده و پنهان باقی نمی مانند.همانطور که اعمال واجراآت ظالمان، خائنان و وطنفروشان (ازهرقماشی که باشند ویا هستند)، هیچگاه ازیادها و خاطره ها و سینهٔ ستبرتاریخ کشورما زدوده نمیشوند. بنابرآن، استبداد کورو خونین هفده سالهٔ سردارمحمد هاشم خان هم با زهرپراگنی ها و اتهام زدن ها و عقده گشایی و پخش لاطائلات، هرگز پنهان نخواهد ماند.
عضو یا اعضای خانوادهٔ ظالم و مستبد و قابچی های حکام ظالم میتوانند وفا و قدردانی و نمک شناسی شان را درسینهٔ خودشان محفوظ نگهدراند، ولی هرگز نمیتوانند چرخ تاریخ را جاهلانه تیغ قلم و زهرعقده را علیه فرزندان پاکبازو مؤرخان حقیقت گو بکار اندازند. پس تفاوت ره میان مستبد پرستان جیره خوار و آزاده گان وفادار به مادر وطن خیلی ها زیاد است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دوم ـ آقای "مقاله" نویس (رفعت حسینی) که متأسفانه خودش از تاریخ نگاری، علم تاریخ، شیوه های علمی پژوهش و بیان زنده و منظم رویداد های تاریخی وآگاهی دهنده چیزی نمیداند، با طمطراق بزرگ نمایانه، خطاب بمن مینویسد که " ... چشم های وجدان و فهم و سواد خویشتن را با دستمال سیاه مرتجعانه می پوشاند و درقرن بیست، فقط و فقط، از ظلم هاشم وطره بازغالمغال میکند"
دراینجا اگر بخواهم روی ضعف و کمبود های انشایی وی انگشت بگذارم و بپرسم که استفاده از" دستمال سیاه"، " مرتجعانه"، " فقط وفقط" و"غالمغال"، آنهم دربحث تاریخی چه معنی و مورد دارد؟ وهمانطورتا به آخر"مقالهٔ" مذکور، مسلماً سخن به درازا میکشد واماغرض آگاهی وی ، بصورت مختصر اینقدر می افزایم که مؤرخ درموقع نگارش رویداد های تاریخی، هرگزچشمان خودش را با "دستمال سیاه" نمی پوشاند، بلکه ماحصل تحقیق، رسایی اندیشه و قلمش را بکارمی بندد. و مؤرخی که مسایل تاریخی را جرأتمندانه، کاوشگرانه و افشاگرانه بیان نماید، کلمهٔ" مرتجعانه" به هیچصورت راجع به وی کاربرد نخواهد داشت. مرتجعانه یا مرتجع به روش و نگارش آنانی اتلاق میگردد که کارشان نه سازنده و منصفانه و منطقی، بلکه خنثی و عقب گرایانه وضد مردمی باشد. وی باید بداند که کلمهٔ "غالمغال" هم هیچ وقت بارادبی و کتابی ندارد، بلکه کاملاً اصطلاحی و عامیانه میباشد. وی میتوانست "قیل و قال" بنویسد، نه "غالمغال". میگذریم!
سوم ـ : این جملات رفعت حسینی که مینویسد : " پیکارپامیر، می توانست، ازکلکین حقیقت و معاییرآگاهی (؟)، سرگذشت باشنده گان افغانستان در سالیان سده بیستم را بنگرد. اگرچنین میکرد، هرگز محمد هاشم و طره باز را بارنگمالی بگونه چپگرایان شعله یی، خلقی و پرچمی نمایش نمیداد."، یکباردیگر ابلهی و بیهوده گویی رفعت حسینی را برملا میسازد !
نخست، رفعت باید بداند که برچسب های سیاسی، غرض آلود و من درآوردی مانند "شعله یی" و "خلقی" و" پرچمی"...ساخت کارخانه "آی.اس.آی" پاکستان و"تنظیم" های جهادی بسیارکهنه شده اند و دیگر نزد مردم ما کاربُردی ندارند. پس به وی توصیه میکنم غیظ خودش را فرو خورد و درپناه استدلال محکم سخن گوید تا کفهٔ وقارش به زمین نخورد.
ثانیاً ، وی باید بداند که مؤرخ میتواند و حق دارد نظر به انتخاب خودش، ضرورت های اجتماعی و نیازفرزندان وطن، مقطع های کوتاه یا دراز تاریخی را مورد سنجش و تحقیق قراردهد که دوران هفده سالهٔ حاکمیت خوفناک و استبدادی هاشم خان نیزیکی ازهمین مقطع های تاریخ میهن ما میباشد. به همین بنیاد، مؤرخ میتواند و حق دارد دوران چهارسالهٔ سراسر بگیرو ببند و اعدام های وحشتناک نادرخان را نیزمورد بررسی قراردهد. به همین نحو، دوران ده سالهٔ کارکرد های اعلیحضرت امان الله خان، حبیب الله کلکانی، حاکمیت حزب دموکراتیک خلق، دوران حاکمیت احزاب جهادی و گروه طالبان وقس هلیهذا.
پس وقتی رفعت حسینی برای مؤرخان کشورحُکم صادر مینماید که چرا ظالمان و خائنان پیش ازهاشم خان وپس از او را مورد بررسی قرار نمیدهند که " فقط و فقط هاشم و طره باز را پرسشگه " میسازند، درواقع، نادانی و بیخبری خودش ازعلم تاریخ و روشهای تاریخ نگاری را به نمایش میگذارد.
چهارم ـ نکتهٔ مهم دیگری را که به این وسیله برای رفعت میگویم اینست که تاختن برنویسنده و مؤرخ و گستاخی و هتک حرمت علیه آنها، کار وعمل بخردانه نبوده ونیست. آنچه خردمندانه است، اینست که اصل کتاب را با استدلال محکم، با ارائه اسناد لازم و ضروری و حفظ نزاکت های علمی و اخلاقی به نقد بکشی، اگردانشی پیرامون نقد داشته باشی!
رفعت حسینی، درپایان نوشته اش، بازهم به منظورترکاندن عقدهٔ درونی و شخصی خویش، کاسه و کوزه را به فرق "سقوزاده و سقوی ها" می شکند و میگوید " چرا درآن مورد چیزی نمیگویند؟" ، حالانکه اگروی واقعاً اهل مطالعه و مطبوعات می بود، اولاً دوموضوع تاریخی را خلط نمیکرد و دوماً از جریانات رسانه یی هموطنان در داخل و خارج کشور شناخت و اطلاع میداشت. درصورت آگاهی داشتن، میدانست که من و دیگران، خیلی واقعیت های تلخ و شیرین آن دوران را نیزبه قید قلم آورده به طبع و نشر رسانیده ایم.
آقای " نویسنده" لااقل باید کتاب های اینجانب تحت عناوین "نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان" ، "ظهور وسقوط اعلیحضرت امان الله خان"، " امیران دست نشانده در افغانستان"، " بررسی تنشهای قومی در افغانستان"، " بررسی وقایع افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴" را مرورنموده و به برنامه های تلویزیونی اینجانب تحت عنوان **"تاریخ و فرهنگ مردم افغانستان"** درشبکهٔ جهانی تلویزیون" امید ۲۴" که یوتوب و فیسبوک هم به نشرمیرسند، توجه مبدول نماید.
هرگاه رفعت حسینی مایل باشد، عندالضرورت، توضیحات بیشتری خدمت شان به نشر خواهم رسانید تا بدانند که تاریخ چیست؟ ظالم کیست؟ منفعت شخصی و فامیلی کدام است؟ و بالاخره منافع علیای وطن و مردم ما چه خواهد بود؟

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ